

# شهید محمد علی رجایی

## در جمع مربیان امور تربیتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ أَنْ أَعْرِفْتَنَا بِالْبَيِّنَاتِ  
وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا  
وَأَفْئِدَةً وَجَعَلْنَا مِنَ الْفُقَهَاءِ وَالشَّاعِرِينَ»

برادران و خواهران عزیز سلام بر شما و  
بر همهٔ بندگان شایسته خدا  
«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى  
أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا  
بِالْعَدْلِ» (سورهٔ نساء - آیه ۵۸)

دوستان امور تربیتی! سربازان انقلاب  
در آموزش و پرورش!

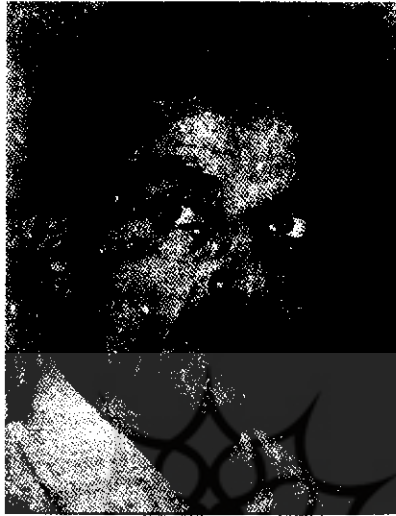
ای کسانی که در یک نهاد انقلابی (که به  
یاری خدا به شکل گسترده‌ای در وزارت  
آموزش و پرورش مشغول رساندن پیام  
انقلاب است) تعهداتی را در قبال حرکت  
اسلامی بر دوش گرفته‌اید. می‌خواهم در  
فرصت چند دقیقه‌ای که با هم داریم از

روزنه‌های امید برادرستان (رجایی) در  
آموزش و پرورش و از مسئولیتی که شما  
بعهده دارید کمی سخن بگویم.  
وجود امور تربیتی به عنوان یک نهاد  
انقلابی در آموزش و پرورش بخشی از آن  
عنصری است که برای همهٔ کسانی که در  
رابطه با انقلاب احساس مسئولیت می‌کنند  
آرامش و اطمینان خاطر بوجود می‌آورد.

### رسالت آموزش و پرورش در انقلاب

انقلاب باید از آموزش و پرورش به  
جامعه راه پیدا کند. بخش فرهنگی انقلاب  
یعنی محتوای فکری انقلاب باید از طریق  
انتقال به نسل نو - نسلی که به علت آلوده  
نبودن فطرتش آمادگی کامل برای پذیرش  
معیارها و ضوابط انقلاب دارد - تداوم یابد  
تا این نسل در آینده بتواند بار این انقلاب را  
بدوش بگیرد. پیداست که مسئولیت بسیار

سنگین است. ابتدا باید نهادهای مختلف را  
بررسی کنیم و ببینیم که در ارتباط با آنها و  
تیز در مقایسه با آنها چه مسئولیتی داریم  
(بخصوص در آموزش و پرورش). وقتی به  
کسی که در این دوره، «انقلابی» گفته می‌شود  
یعنی بار تعهد صد هزار شهید و مجروح و  
معلول به دوش یک چنین انسانی، به عنوان  
یک فرد انقلابی است. هر یک از ما در هر  
محدوده‌ای که کار می‌کنیم و خودمان را  
زایندهٔ حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران  
می‌دانیم این بار را باید بر دوشمان احساس  
کنیم. ما همین قدر که لب به سخن باز  
می‌کنیم، باید بدانیم که این فریاد ما نیست،  
این سخن به تنهایی از ما نیست، نه تنها  
صد هزار شهید و مجروح و جانباز در این  
سخن تجلی می‌کنند؛ بلکه میلیونها انسان که  
برای تحقق این انقلاب سرمایه‌گذارهای  
متفاوت کردند، امروز نگران این سخن‌ها



هستند، نگران این حرکات هستند، نگران رفتار آن عناصری هستند که خود را انقلابی می‌دانند و مسئولیت انقلابی می‌پذیرند.

### وزارت آموزش و پرورش

اجازه بدهید یک مثالی را که بارها در جلسات گفتم، در اینجا هم تکرار کنم. من وقتی وزیر آموزش و پرورش بودم، فکر می‌کردم که خدا در جهنم یک جایی دارد که به اندازه ده میلیون آدم فشار عذاب است. آنجا جای وزیر آموزش و پرورش است. زیرا که هر جمله وزیر آموزش و پرورش روی ده میلیون انسان نقش دارد، پس باید هوشیار باشد که این سخن در چه گستره‌ای اثر می‌گذارد و چه مسئولیتی دارد. البته وزیر آموزش و پرورش همیشه به لطف خدا امیدوار است، به این جهت فقط به آنجای

جهنم فکر نمی‌کند. خوب مثال یک کمی‌مطلب را برایمان نزدیک کرد. اجازه بدهید باز راجع به این مثال بیشتر صحبت کنم، در جهنم خدا یک جایی دارد که فشار عذابش مساوی است با گناه ۳۶ میلیون انسان، آنجا جای من است، که حرکت و سخن و برخورد من روی زندگی ۳۶ میلیون انسان اثر می‌گذارد، یک بله و یک نه سرنوشت ۳۶ میلیون انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. کمی مسأله روشن شد، حالا با هم فکر کنیم، چهارده قرن مبارزه مسلمانها، چهارده قرن تلاش برای تحقق حکومت اسلامی، زندانهای که امامهای ما رفتند و پدران و مادران ما در این مصیبتها اشک ریختند، شکنجه‌هایی که مسلمانها در طول تاریخ متحمل شدند، شهادتها، تبعیدها، رنجها، تمام امید مردمی که به دنبال یک راه حل زندگی هستند، مسئولیت اجرای احکام

قرآن، ناله‌ها، اشکها، گریه‌های شبانه این همه مردم مسلمان که دعا می‌خواندند و تکرار می‌کردند.

اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْبِغَاظَ وَاَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ اِلَى سَبِيْلِكَ.

این خواستها، همه اینها که گفتم به اضافه آنچه گفتمی است و فرصت گفتن است به صورت یک مسئولیت به دوش کسانی که خود را در یک نهاد انقلابی عضو می‌بینند. مثل امور تربیتی، مثل جهاد سازندگی، مثل سپاه پاسداران، مثل بنیادهای مختلف. خوب تا اینجا مسئولیت مشترک است همه ما یک مقدار مسئولیت داریم، وقتی می‌آیم سراغ امور تربیتی هنوز مسئولیت باقی است.

### امور تربیتی و رهبران آینده مملکت

خواهران و برادران من می‌دانند هر یک انسانی که تحت تأثیر تربیتی ما قرار می‌گیرد می‌تواند یک روزی امام باشد پس هر یک از ما در سال مواجه هستیم با حداقل ۵۰ انسان که امکان امام شدن دارند، مسئولیت بزرگی است. اگر شما پهلوی یک شیر آب ایستاده باشید و شیر باز باشد و متوجه نباشید و یا مسامحه کنید و شیر آب باز بماند، خوب دو متر مکعب آب از بین می‌رود، اگر در یک اتاقی آتشی بر پا شده باشد و یک بیچه آنجا باشد و انسان خدای نکسره بی‌توجهی کند آن بیچه در آتش می‌سوزد. اگر ما که مربی هستیم، در کنار این بیچه‌ها کم توجهی کنیم این بیچه‌ها می‌سوزند، خوب می‌سوزند که چی بشود؟ تمام آن کارهایی که گفتیم بر عهده ماست که با آن بیانمان و حرکتیمان به این نسل منتقل کنیم و این مسئولیت فقط به عهده ماست. بقال انقلابی تمام تلاشش در خودش خلاصه می‌شود. نانوای انقلابی، کارمند انقلابی، افسر انقلابی، اما معلم انقلابی اینطور نیست و معلم انقلابی باید معیارهای انقلاب را منتقل کند به نسلی که می‌خواهند در آینده انقلاب را ادامه دهند، این مسئولیت شما عزیزان به عنوان مربیان امور تربیتی است، مسئولیت سنگینی است. هر کس این مسئولیت را احساس کند و شانه‌هایش را که تکان می‌دهد، این بار را احساس کند، و با این مسئولیت عمل کند چنین عنصری و چنین نهادی نه فقط مورد تایید دولت، نه فقط مورد تایید ملت، نه فقط

مورد تایید امام، که مورد تایید دولت، نه فقط مورد تایید ملت، نه فقط مورد تایید امام، که مورد تایید است خدا است.

«إِنَّهُ يَضَعُ الْمَوَاقِفَ الْغَائِبَةَ وَالْعَفْلَ الصَّالِحَ يَرْفَعُهُ» (سوره فاطر - آیه ۱۰)

### افتخار امور تربیتی

این نهادی است که اگر خدا توفیق بدهد و منطبق با معیارها و ملاکهای اسلامی عمل بشود، مطمئناً هر کس در هر مقامی افتخار می‌کند که به او بگویند یکی از افراد امور تربیتی است ولی اگر خدای نکرده برادران یا خواهران ما رسالت واقعی خودشان را درک نکرده باشند، یا درک کرده باشند، ولی بی توجه نسبت به آن باشند، آنجا است که فقط امور تربیتی چیزی برای ما بوجود نمی‌آورد. آنجا است که مرتب باید برویم پیش رئیس ناحیه، پیش مدیر کل استان و پیش وزیر که یک فکری بکنند برایمان، یک اعتبار بوجود بیاورید. هیچ اعتباری ضمانت بالاتر از عمل انسان به مکتب ندارد و این تنها راهی است که ما بکوشیم هر چه بهتر ببینیم که امور تربیتی یعنی چه و ما چه کنیم که یک عنصر تمام عیار امور تربیتی باشیم؟ در صورتی که خدا توفیق بدهد و ما به چنین مرحله‌ای برسیم شکی نیست که خود به خود تایید، خود به خود یاری و کمک از طرف برادران و خواهرانی که تاییدشان می‌تواند در کار ما یک وسیله تسهیلی باشد. فراهم می‌شود. به شما مؤذنه بدهم به عنوان یک برادری که تجربه کرده، شما را در جریان این تجربه

قرار بدهم که اگر بر اساس معیارهای اسلامی عمل بکنید خود این عمل یک مبارزه منطقی است و دشمن را آنچنان بیچاره می‌کند که از به‌ثمر رساندن هر توطئه‌ای ولو هر چقدر هم کوچک باشد، عاجز می‌شود. شما برگردید به عقب از برادران یا پدر و مادران خودتان که تاریخ را بیشتر از شما می‌دانند و دیده‌اند، بپرسید. چون امروز جامعه ما به سمت یک جامعه اسلامی کامل پیش می‌رود در سالهای قبل از انقلاب اگر دو دانش‌آموز در یک کلاس بودند که مسلمان بودند، عمل می‌کردند به اسلام این دو نفر کلاس را قبضه می‌کردند و امروز مثل شما مثل آن دو دانش‌آموز در کلاس است و شما در جامعه هستید. هر گاه عمل ما بر اساس اسلام و ضوابط و معیارهای اسلام باشد، تردید به خودمان راه ندهیم که موفق می‌شویم، تردید نکنیم.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

(سوره مریم - آیه ۹۶)

این خدا که می‌گوید: آقا بر اساس ضوابط قرآنی عمل کنید، من شما را محبوب مردم قرار می‌دهم. و دوست برای شما در جامعه آنقدر فراهم کنم که نیازی برای پیروزی به شکل مبارزه نداشته باشید. من موقمی که وعده می‌کردم عرض کردم که فرصتم خیلی کم است و حضورم در اینجا برای ابراز یک پیوند صددرصدی است که با نهادهای انقلابی دارم.

وجود امور تربیتی به عنوان یک

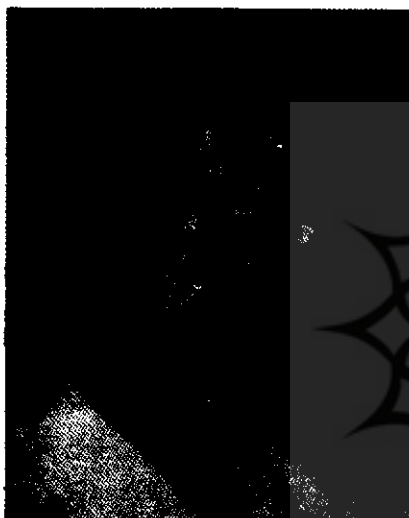
نهاد انقلابی در آموزش و پرورش

بخشی از آن عنصری است که برای

همه کسانی که در رابطه با انقلاب

احساس مسئولیت می‌کنند آرامش و

اطمینان خاطر بوجود می‌آورد



### امیدهای انقلاب

من به عنوان برادر شما که پیشبرد این انقلاب را به شما، شمایی که آمدید تا آموزش و پرورش را با انقلاب پیوند بدهید، شمایی که آمدید آموزش و پرورش را به صورت یک نهاد انقلابی در آورید از حالت سنتی، به شمایی که بچه‌ها را به صورت سرمایه این انقلاب می‌بینید نه به صورت دانش‌آموز، به شمایی که مدرسه و کلاس را به صورت یک میدان مبارزه می‌بینید نه به شمایی که درس کلاس را وسیله‌ای برای تبلیغ پیام برادران و خواهراتان در سراسر ایران می‌بینید. به

شما به صورت یک امید در این انقلاب برخورد می‌کنیم. فقط خدا می‌داند که از وجود شما چه احساسی به من دست می‌دهد به عنوان یک معلم به عنوان اینکه یک روزی می‌گشتیم در تمام آموزش و پرورش ده نفر را پیدا نمی‌کردیم که اسلام بخوانند. قرآن بخوانند، جامعه اسلامی بخوانند، بعنوان یک معلمی که سرتاسر مدارس، خیابانها را می‌گشتیم تا چهار خواهر عزیز پیدا کنیم که با چادر یا روسری به مدرسه بروند، به عنوان یک معلمی که برای یک مدرسه دخترانه صدها جلسه و مذاکره می‌گذاشتیم تا یک دانه مثل شما را

پیدا کنیم که یک مدرسه دخترانه را اداره کند، خدا می‌داند که از دیدن چنین حرکتی چه احساسی به چنین معلمی دست می‌دهد. ولی در مقابل خونهایی که ریخته شده تا شماها بوجود آمده‌اید، فکر می‌کنم بهتر است به این طرف قضیه توجه کنیم. ای خدا خون شهدا را کاملاً درک می‌کنیم، تعهدی که در مقابل این خون داریم کاملاً درک کردیم، ما را در انجام وظیفه‌مان موفق بدار. ای خدا این انقلاب با تمام بارهای سیاسی و اجتماعی، اعتقادیش به دوش ماست، ما را در انجام این رسالت موفق بدار.